



انتشارات مشاوران آموزش  
ناشر تخصصی دروس عمومی  
ناشر تخصصی علوم انسانی



جموعه کتابهای مبحثی  
عروض و قافیہ

ساعد آقاسی



انتشارات مشاوران آموزش

ناشر تخصصی عمومی و علوم انسانی

این اثر مشمول قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است، هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مؤلف (ناشر) نشر یا پخش یا عرضه کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

دفتر انتشارات

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین،  
کوچه مهر، پلاک ۱۸  
تلفن: ۶۶۹۵۳۳۰۵

دفتر فروش

تلفن: ۶۶۹۷۵۷۲۷

سرشناسه  
عنوان  
مشخصات نشر  
شناسه افزوده  
شابک  
وضعیت فهرست نویسی  
شماره کتابشناسی ملی

: آقاسی، ساعد، ۱۳۳۶  
مجموعه کتاب‌های مبحثی عروض و قافیه  
تهران، مشاوران آموزش، ۱۳۹۸.  
: لطفیان، فاطمه، ۱۳۶۹ - ویراستار  
الهامی، نوشین، ۱۳۷۰ - ویراستار  
میثمی، سیمین، ۱۳۷۰ - ویراستار  
۵-۲۵۵-۲۱۸-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰ :  
: فیپای مختصر  
۵۹۵۸۶۲۰ :

عنوان  
ناشر  
لیتوگرافی، چاپ و صحافی  
شمارگان  
قطع  
نوبت چاپ  
قیمت  
شابک

مجموعه کتاب‌های مبحثی عروض و قافیه ۱۰ و ۱۱  
مشاوران آموزش  
فروز - شریف  
۱۵۰۰ نسخه  
رقمی  
اول - ۱۳۹۹  
۳۹۰۰۰  
۹۷۸-۶۰۰-۲۱۸-۲۵۵-۵

## آشنایی با گروه تولید کتاب عروض و قافیه

### خانواده تألیف

مؤلف:  
ویراستاران:  
نوشین الهامی  
سیمین میثمی

ساعد آقاسی  
فاطمه لطفیان

### خانواده چاپ و طراحی

طراح جلد:  
طراح لایاوت و گرافیکست:  
صفحه‌آرا:  
حروف‌نگاران:

آذر سعیدی‌منش  
آذر سعیدی‌منش  
مجتبی حسنی ثمرین  
آرزو پورطهماسبی  
سارا عزیزی

## نمای نزدیک ۱

مهم‌ترین حروف الحاقی که باید آن‌ها را به‌خاطر سپرد:

۱. مصوّت بلند «ی» در آخر واژه‌های قافیه (چه پسوند باشد چه جزء اصل کلمه باشد):  
مثل «ی» در واژه‌های «مستی \_ هستی»، «سیاهی \_ تباهی» و «غنی \_ منی»
۲. مصوّت کوتاه «ه» در آخر واژه‌های قافیه (چه پسوند باشد چه جزء اصل کلمه باشد):  
مثل «ه» در واژه‌های: «خانه \_ نامه»، «اندیشه \_ پیشه» و «افتاده \_ باده \_ ساده»
۳. صامت «ی» به شرط آن‌که بعد از مصوّت بلند «ا» یا «و» بیاید:  
مثل «ی» در واژه‌های: «جای \_ نای»، «بوی \_ سوی» و «مجوی \_ بگوی»
- (نکته: صامت «ی» در واژه‌هایی مثل «ئی» یا «می»، الحاقی نیست؛ چون بعد از مصوّت‌های «ا، و» نیامده است.)
۴. شناسه‌ها (ـ م، ی، ـ د، یم، ید، ـ ند)  
مثل «ـ م» در فعل‌های «نگیرم \_ پذیرم» یا «ـ ند» در «نستانند \_ دانند»
۵. ضمائر متصل (ـ م، ـ ت، ـ ش، ـ مان، ـ تان، ـ شان)  
مثل «ـ ش» در واژه‌های «جانش \_ هجرانش» یا «ـ ت» در «یادت \_ آزادت»

۶. (م) به معنی: (هستم)	(ی) به معنی: (هستی)	(یم) به معنی: (هستیم)	(ید) به معنی: (هستید)	(ند) به معنی (هستند)
(ام)	(ای)	(ایم)	(اید)	(اند)

- مثل «م» در واژه‌ها «دلشادم \_ آزادم» یا «ند» در واژه‌های «حیرانند \_ هجرانند»
۷. پسوندها در آخر واژه‌های قافیه، الحاقی‌اند؛ به شرطی که عیناً تکرار شده باشند و نوع آن‌ها یکی باشد (در این‌باره در صفحات بعد بیشتر بخوانید).
  ۸. هر آنچه بعد از «بن ماضی» یا «بن مضارع» بیاید، الحاقی است: مثل «ه \_ ام» در واژه‌های «افسرده‌ام \_ مرده‌ام»

## نمای نزدیک ۲

### پند نکته دربارهٔ مروف الماقی

- پسوندها وقتی الحاقی‌اند که عیناً در آخر واژه‌های قافیه تکرار شده باشند. به این بیت‌ها توجه کنید:

«گرفتم که خود هستی از عیب پاک      تعنت مکن بر من عیبناک» (تعنت: سرزنش)

«ناک» در کلمهٔ «عیبناک» پسوند است اما چون در مصراع اول نیامده، الحاقی نیست.

«گل نوشگفته است و سرو روان      برآمیخته مهر او با روان»

«روان» در مصراع اول به معنی «رونده» و از «رو» + پسوند «ان» ساخته شده ولی «روان» در مصراع دوم به معنی «روح» است و پسوند ندارد؛ پس «ان» در این بیت الحاقی نیست.

«روزگاری است که سودای بتان دین من است      غم این کار نشاط دل غمگین من است»

پسوند «گین» الحاقی نیست؛ چون در مصراع اول تکرار نشده است.

- شاعران، «م» شناسه و «م» ضمیر متصل و «م» به معنی «هستم» را یکی می‌دانسته‌اند و آن‌ها را در یک بیت به‌عنوان حروف الحاقی می‌آورده‌اند.

مثل قافیه کردن واژه‌های «گذرم \_ سرم» که در اوّلی «م» شناسه و در دومی ضمیر متصل است.

(سراسری ۷۵)

حکیم سخن در زبان آفرین  
نه با من که با نفس خود می‌کند  
کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران  
یادم از کشته‌خویش آمد و هنگام درو

(سراسری ۷۷)

کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران  
واندرین کار دل خویش به دریا فکنم  
زنهار بد مکن که نکرده است عاقلی  
چه کنم که هست این‌ها گل باغ آشنایی

(سراسری ۷۲)

افکنده از سیاست تو آسمان سپر  
پلاستین معجر و قیرینه گرز  
تا به سرهنگی او افراخت سر  
رمه نیز چوپان ندارد ز پس

باد سرتاپای من قربان سرتاپای تو  
صبرست دوی من و دردا که مرا نیست  
ز سر برآمده در پا فتاده رفته ز دست  
مددی که چشم مستت به خمار کشت ما را

فروماند در لطف و صنع خدای  
که شیری برآمد، شغالی به چنگ  
شد و تکیه بر آفریننده کرد  
چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست

میاور به جان من و خود گزند  
روی خلاص نیست به جهد از کمند او  
تا نریزد بر تو، زهر آن زشت‌خو  
چه شکر گویمت ای کارساز بنده‌نواز

محصول دعا در ره جانانه نهادیم  
فراغت از تو میسر نمی‌شود ما را  
ز هر در می‌دهم پندش ولیکن در نمی‌گیرد  
مگر مشککش را کند منجلی

۱۵. قافیه در کدام گزینه، دارای حروف الحاقی است؟

- ۱ به نام خداوند جان آفرین
- ۲ بگفتا که این مرد بد می‌کند
- ۳ بگذار تا بگیریم چون ابر در بهاران
- ۴ مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو

۱۶. قافیه در کدام بیت، حروف الحاقی ندارد؟

- ۱ بگذار تا بگیریم چون ابر در بهاران
- ۲ دیده دریا کنم و صبر به صحرا فکنم
- ۳ دنیا نیرزد آن که پریشان کنی دلی
- ۴ ز دو دیده خون فشانم ز غمت شب جدایی

۱۷. کدام بیت، ذوق‌افشین است؟

- ۱ ای از مکارم تو شده در جهان خیر
- ۲ شبی گیسو فروشته به دامن
- ۳ کوه را هم تیغ داد و هم کمر
- ۴ همان باغیان نیست در باغ کس

۱۸. قاعده قافیه کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟

- ۱ ای سر سودایی من رفته در سودای تو
- ۲ بیمار غمت را به‌جز از صبر دوا نیست
- ۳ دلی چو زلف تو سر تا به پای جمله شکست
- ۴ ز شراب لعل نوشین، من رند بی‌نوا را

۱۹. حروف قافیه کدام بیت، طبق قاعده «۱» است؟

- ۱ یکی روبه‌ی دید بی‌دست و پای
- ۲ درین بود درویش شوریده‌رنگ
- ۳ یقین، مرد را دیده بیننده کرد
- ۴ نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست

۲۰. حرف یا حروف قافیه کدام بیت طبق قاعده «یک» است؟

- ۱ مکن شهریارا دل ما نزنند
- ۲ گفتم به عقل پای برآرم ز بند او
- ۳ یار بد، مار است هین بگیریز از او
- ۴ منم که دیده به دیدار دوست کردم باز

۲۱. واژه‌های قافیه در کدام گزینه طبق قاعده «یک» است؟

- ۱ ما درس سحر در ره میخانه نهادیم
- ۲ اگر تو فارغی از حال دوستان یارا
- ۳ دلم جز مهر مه‌رویان طریقی بر نمی‌گیرد
- ۴ یکی مشکلی برد پیش علی



**۴. فعلاتن مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن**  
**(فاعلاتن مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن)**  
**اسکن کنید و بشنوید:**

«تو چه دانی که از وفا چه نمودم به جای تو علم الله که جان من چه کنشید از جفای تو»

تُ جِ دانی فعلاتن	کِ از و فا مفاعیلن	جِ نِ مو دم فعلاتن	پِ جِ ای ت مفاعیلن
عَ لَ مَلْ لَه فَعَلاتن	کِ جِ اِنِ مَن مفاعیلن	جِ کِ شِ دَز فعلاتن	جِ فِ ای ت مفاعیلن

«چه زمان باشد آن زمان که بلرزد ز تو زمین چه عجب باشد آن مکان چو مکان لا مکان شود»

جِ زَ مان با فعلاتن	شِ دَاکِ زَ ماکِ مفاعیلن	کِ پِ لَر دَد فعلاتن	زِ تَ زَ مِیْکِ مفاعیلن
جِ عَ جَب با فعلاتن	شِ دَاکِ مِ کَاکِ مفاعیلن	جِ مِ کَاکِ لا فعلاتن	مِ کَاکِ شِ وَد مفاعیلن

«نه مرا وعده کرده ای نه که سوگند خورده ای  
«من و دلدار نازنین، خوش و سرمست هم چنین  
«چه کنم عمر مرده را، تن و جان فسرده را  
«تو بگو باقی غزل که کند در همه عمل  
«بفشان گل که گلشنی همه را چشم روشنی

**۵. فعلاتن مفاعیلن فَعَلن (فعلن)**  
**فاعلاتن مفاعیلن فَعَلن (فعلن)**  
**اسکن کنید و بشنوید:**

«نه خود اندر جهان نظیر تو نیست که قمر چون رخ منیر تو نیست»

نَ حُ دَن دَر فعلاتن	جِ هَاکِ نَ ظِی مفاعیلن	رِ تَ نِیْسَت فَعَلن
کِ دَقَ مَرِ چُن فعلاتن	رُ خِ مِ نِی مفاعیلن	رِ تَ نِیْسَت فعلن

«به چه ماند جهان مگر به سراب سپس او تو چون روی به شتاب»

پِ جِ ما تَد فَعَلاتن	جِ هَا نِ مِ گَر مفاعیلن	پِ سَ رَاب فَعَلن
سِ پِ سِ او فَعَلاتن	تُ چُن رَوِی مفاعیلن	بِ شِ تَاب فَعَلن

## بررسی چند اصطلاح عروضی



۱. پایه‌های آوایی: وقتی وزن بیتی را به شیوه سماعی (شنیداری) می‌یابیم، گوش ما نظمی را بین هجاهای کوتاه و بلند آن پیدا می‌کند و آن‌ها را چهارتا چهارتا یا سه‌تا سه‌تا یا چهارتا سه‌تا یا سه‌تا چهارتا و... از هم جدا می‌کند و مثلاً می‌گوید این مصراع از چهارتا «فاعلتن» تشکیل شده و وزن بیت «فاعلتن فاعلاتن فاعلاتن» است یا وزن مصراع دیگری را «فعلولن فاعولن» تشخیص می‌دهد؛ به بخش‌هایی که در یک مصراع وجود دارد و بین آن‌ها مکتبی هست «پایه آوایی» می‌گویند. هر پایه آوایی از چند هجا درست شده است. نامی که به این پایه‌های آوایی می‌دهیم، وزن واژه یا رکن نام دارد. مثلاً فاعلاتن یک وزن واژه و رکن و فعلولن، وزن واژه و رکنی دیگر است.

به بیت زیر نگاه کنید:

«هر که چیزی دوست دارد، جان و دل بر وی گمارد هر که محرابش تو باشی، سر ز خلوت برنیارد»

وزن بیت به شیوه سماعی یا شنیداری: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

هر	ک	چی	زی	دو	ست (س)	دا	رَد	جا	ن	دل	بَر	وی	گ	ما	رَد
پایه آوایی اول				پایه آوایی دوم				پایه آوایی سوم				پایه آوایی چهارم			

هر کدام از پایه‌های آوایی بیت بالا از چهار هجا تشکیل شده‌اند.

حالا یک‌بار دیگر به همان بیت نگاه کنیم:

پایه آوایی اول	پایه آوایی دوم	پایه آوایی سوم	پایه آوایی چهارم
هر ک چی زی دو ست (س) دا رَد	جا ن دل بَر وی گ ما رَد	هر ک مح را بَش ت با شی سر ز خَل وَت بَر نَ یا رَد	— — — — — — — — — — — — — — — —
دسته‌های هجایی (نشانه‌های هجایی)			
وزن‌واژه‌ها (ارکان)			

به این ترتیب، وقتی بیتی را تقطیع می‌کنیم یا به شیوه سماعی وزن آن را درمی‌یابیم، به نظمی که میان هجاهای وجود دارد (بخش‌های جداگانه بر مصراع از نظر وزن)، پایه آوایی می‌گوییم.

نشانه‌ها و علائم هجاهای کوتاه و بلند یعنی نشانه‌های «ل» و «—» هم، خوشه‌های هجایی نام دارند. وزن یک بیت مجموعه‌ای است از وزن‌واژه‌ها یا ارکان عروضی؛ درواقع وزن شعر از به هم پیوستن وزن‌واژه‌ها ایجاد می‌شود. بیشتر واژه‌ها حاصل سه یا چهار وزن‌واژه‌اند.

نمونه دوم:

«من امشب آمدستم وام بگزارم حسابت را کنار جام بگذارم»

وزن بیت به شیوه سماعی: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

پایه آوایی اول	پایه آوایی دوم	پایه آوایی سوم
م نِم سَب آ م دَس تَم وا م بُگ زا رَم	ح سا بت را ک نا ر جا م بُگ دا رَم	— — — — — — — — — — — — — — — —
دسته‌های هجایی (نشانه‌های هجایی)		
وزن‌واژه‌ها (ارکان)		

« — U — — U — — U — »

۱) چند پرسی ز من چیست من

۲) بشنو این نی چون شکایت می کند

۳) آینه ار نقش تو نمود راست

۴) خدایا به دلّت مران از درم

۱۰۱. این علائم، نمودار هجایی کدام مصراع است؟

۱) سهل است اگر بال و پری نقصان این پروانه شد

۲) غیبت نکرده‌ای که شوم طالب حضور

۳) هان ای دل عبرت‌بین از دیده عبرت کن هان

۴) هر سر موی مرا با تو هزاران کار است

۱۰۲. وزن کدام مصراع با نشانه‌های هجایی « — U / U — — / — — — U / U — — » تطبیق می‌کند؟

« — — U — U — — — »

۱) ای که دائم به خویش مشغولی

۲) بنشینم و صبر پیش گیرم

۳) هر که تأمل نکند در جواب

۴) مرغ سلیمان چه خیر از سبا؟

۱۰۳. علائم رویه‌رو نمودار هجاهای کدام مصراع است؟

« — — — — UU — — — — UU — — — — »

۱) آه سعدی ائثر کند در کوه

۲) نکند در تو سنگ‌دل ائثری

۳) صد داغ به دل دارم زان دلبر شیدایی

۴) آرزو دلسی دارم، من دانم و رسوایی

۱) ای مسلمانان فغان زان نرگس جادو فریب

۲) کاه به یک ره برد از من صبر و آرام و شکیب

۳) باران اشکم می‌رود و بر ابرم آتش می‌جهد

۴) با پختگان گوی این سخن سوزش نباشد خام را

۱۰۴. تقطیع رویه‌رو مربوط به کدام گزینه است؟

« — — U — U — UU — — — »

۱) چو خواهی که نامت بود جاودان

۲) مکن نام نیک بزرگان نهران

۳) هر که تأمل نکند در جواب

۴) دیدم شه خوب خوش‌لقا را

۱) بس بگردید و بگردد روزگار

۲) آن چشم و چراغ سینه‌ها را

۳) دل به دنیا درنیندد هوشیار

۴) در دولت به رخم بگشادی

۱۰۵. تقطیع « — — U — U — UU — — — » مربوط به مصراع‌های کدام گزینه است؟

۱) در دولت به رخم بگشادی

۲) نکوهش مکن چرخ نیلوفری را

۳) به نام خداوند جان و خرد

۴) آن مونس و غمگسار دل را

۱۰۶. ارکان معادل این علائم « — — UU / U — — — UU / U — — — » کدام است؟

۱) مفعول فعلاتن مفاعیلن فع

۲) فاعولن فعلاتن مفاعیلن فعل

۳) مفعول فع فعلاتن مفاعیلن

۴) فاعولن فعلاتن مفاعیلن فعل

۱۰۷. وزن کدام مصراع به صورت « — UU / — U — U / — — UU / — U — U — — » نیست؟

۱) به حسن خلق و وفا کس به یار ما نرسد

۲) جنان به روی تو آشفته‌ام به بوی تو مست

۳) من از دیار حبیبم نه از دیار غریب

۴) عجب مدار که سعدی به یاد دوست بنالد

۱۰۸. تقطیع هجایی و ارکان کدام بیت به شکل زیر است؟

« — UU — — / — U — U — — / — UU — — / — UU — — / — UU — — / — UU — — »

۱) به چه ماتد جهان مگر به سراب

۲) سپس او تو چون روی به‌شتاب

۳) خواندن فرقان و زهد و علم و عمل

۴) مونس جان‌اند هر چهار مرا

۱) زنده به آب‌اند زندگان که چنین گفت

۲) ایزد سبحان بی‌چگونه و بی‌چون

۳) چون که بخواهند باز عاریتی جان

۴) از دلت آن گه دهی به معصیت اقرار

## ب) اختیارات وزنی

اختیارات وزنی فقط تغییراتی در تلقظ واژه‌ها ایجاد می‌کند تا شاعر بنا بر نیاز موسیقی و وزن شعر از آن‌ها استفاده کند. اختیارات وزنی هیچ تغییری در وزن شعر به وجود نمی‌آورد اما اختیارات وزنی این امکان را به شاعر می‌دهد تا وزن شعر را اندکی تغییر دهد. البته تغییراتی که گوش فارسی‌زبان‌ها آن‌ها را عیب نمی‌شمارد.

مثل تلقظ کردن واژه «پشگن: پ \_ ش \_ کن: U U —» به صورت «پش کن: — —» یعنی به جای دو هجای کوتاه «U U» یک هجای بلند «—» بیاورد

\*\*\*

اختیارات وزنی بر چهار گونه است:

1. بلند بودن هجای پایان مصراع؛
2. آوردن فاعلاتن به جای فعلتان؛
3. ابدال (آوردن یک هجای بلند به جای دو هجای کوتاه در کنار هم. در وسط مصراع)؛
4. قلب (جابجا کردن یک هجای کوتاه و بلند در کنار هم)

### 1. اختیار وزنی، «بلندبودن هجای پایان مصراع»

گوش فارسی‌زبان‌ها، هجای پایان مصراع را همیشه بلند می‌شنود؛ چه آن هجا، کوتاه باشد، چه بلند و چه کشیده. پس تمام مصراع‌های شعر فارسی به هجای بلند ختم می‌شوند. ولی اگر شاعر به جای هجای بلند، هجای کوتاه (U) یا کشیده (U —) آورده باشد، از یک اختیار وزنی استفاده کرده است.

\* پیدا کردن این اختیار بسیار آسان است ولی معمولاً، اشاره به آن را فراموش می‌کنید.

نمونه اول: «لیلی سَمَن خزان ندیده مجنون چمن خزان رسیده» (مستفعل فاعلاتن فعلن)

د	دی	ت	زاکر	خ	ن	م	س	لی	لی	وزن اصلی:
ک					*					
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	
د	سی	ر	زاکر	خ	ن	م	ج	نور	مچ	

\* (هجای پنجم مصراع اول دارای اختیار وزنی بلند تلقظ شدن مصوت کوتاه است.)

(در پایان هر دو مصراع، به جای هجای بلند، از هجای کوتاه استفاده شده است)

نمونه دوم: «رفتی و نمی‌شوی فراموش می‌آیی و می‌روم من از هوش» (مستفعل فاعلاتن فعلن)

موش	را	فت	وی	ش	می	ن	ئی	تی	رف	وزن اصلی:
ک										
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	
موش	تَز	م	وَم	ر	می	ئی	بی	آ	می	

در هر دو مصراع مطابق اختیارات وزنی به جای هجای بلند از هجای کشیده استفاده شده است.



۱۵. **گزینه ۳** (واژه‌های قافیه: بهاران - یاران) (حروف الحاقی: ان) (حروف اصلی: ار)

گزینه ۱: (واژه‌های قافیه: جان - زبان) (حروف اصلی: ان)

گزینه ۲: (واژه‌های قافیه: بد - خود «خ = د») (حروف اصلی: د - د)

گزینه ۴: (واژه‌های قافیه: «نو: ن و» - «درو: د = ر و» (حروف اصلی: و و)

۱۶. **گزینه ۲** (حروف الحاقی: (گزینه ۱: ان) (گزینه ۳: ی) (گزینه ۴: بی)

۱۷. **گزینه ۱** (قافیه اصلی: خبر - سپر) (قافیه دوم: جهان - آسمان)

۱۸. **گزینه ۳** (واژه‌های قافیه: شکست - دست) (حروف اصلی: - ست) (قاعده ۲)

واژه‌های قافیه در سایر گزینه‌ها: (سودا + ی - پا + ی) (دوا - مرا) (نوا - ما) (فقط گزینه ۱ حروف الحاقی دارد ← «ی») حروف اصلی در سایر گزینه‌ها: «ا» (قاعده یک)

۱۹. **گزینه ۱** (واژه‌های قافیه: پای - خدای) (حروف الحاقی: ی) (حروف اصلی: «ا») (قاعده ۱)

واژه‌های قافیه در سایر گزینه‌ها به ترتیب: (رنگ - چنگ) (بیننده - آفریننده) (دوست - پوست)

حرف اصلی در سایر گزینه‌ها به ترتیب: (ن - نگ، ین، وست) (قاعده ۲)

۲۰. **گزینه ۳** (واژه‌های قافیه: او - خو) (حروف اصلی: «و») (قاعده ۱)

واژه‌های قافیه در سایر گزینه‌ها به ترتیب: (نژند - گزند) (بند - کمند) (باز - نواز)

حروف اصلی در سایر گزینه‌ها به ترتیب: (ن - ند، ن - ند، از) (قاعده ۲)

۲۱. **گزینه ۲** (رديف: را) (واژه‌های قافیه: یا - ما) (حروف اصلی: «ا») (قاعده ۱)

در مصراع اول قافیه و ردیف در یک واژه قرار گرفته است.

واژه‌های قافیه در سایر گزینه‌ها به ترتیب: (میخانه - جانانه ← «ه»: الحاقی) (بر - در)

(علی - منجلی ← «ی»: الحاقی)

حروف اصلی در سایر گزینه‌ها به ترتیب: (ان، ر، ل) (قاعده ۲)

۱۰۱. **گزینه ۱** ﴿ فاعل فاعل فاعلن فع  
گزینه ۲: فاعلاتن فاعلاتن فاعلن  
گزینه ۳: مفعلن مفعلن فاعلن  
گزینه ۴: فعولن فعولن فعولن فعَل

۱۰۲. **گزینه ۳** ﴿ مفعولُ مفاعیلن مفعولُ مفاعیلن = مستفعل مفعولن مستفعل مفعولن  
گزینه ۱: مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن  
گزینه ۲: مستفعلن مفاعِلُ مستفعلن مفا = مفعولُ فاعلاَتُ مفاعیلُ فاعلن  
گزینه ۴: فعلاتن (فاعلاتن) فعلاتن فعلاتن فعَلن

۱۰۳. **گزینه ۲** ﴿ مستفعلُ فاعلاَتُ فعَلن = مفعولُ مفاعِلن فعولن  
گزینه ۱: فعلاتن (فاعلاتن) مفاعِلن فعَلن  
گزینه های ۳ و ۴: مفعلن مفعلن فاعلن

۱۰۴. **گزینه ۲** ﴿ مستفعلُ مفعولن مستفعل مفعولن = مفعولُ مفاعیلن مفعولُ مفاعیلن  
گزینه ۱: فعلاتن (فاعلاتن) مفاعِلن فعَلن  
گزینه ۳: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن  
گزینه ۴: مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن

۱۰۵. گزینه ۳ ﴿ مستفعلُ فاعلات فعلن = مفعولُ مفاعِلن فعولن

گزینه ۱: فعولن فعولن فعولن فعَل

گزینه ۲: مفعِلن مفعِلن فاعِلن

گزینه ۴: فاعلاتن فاعلاتن فاعِلن

۱۰۶. گزینه ۴ ﴿ مستفعلُ فاعلاتُ فعلن = مفعولُ مفاعِلن فعولن

گزینه ۱: فعلاتن (فاعلاتن) فعلاتن فعَلن

گزینه ۲: فعولن فعولن فعولن فعولن

گزینه ۳: فعولن فعولن فعولن فعَل

۱۰۷. گزینه ۱

۱۰۸. گزینه ۴ ﴿ مفاعِلن فاعلاتن مفاعِلن فاعلاتن

سایر گزینه‌ها: مفاعِلن فاعلاتن مفاعِلن فعَلن

۱۰۹. گزینه ۲ ﴿ مفعِلن فاعلاتُ مفعِلن

گزینه ۱: فعلاتن مفاعِلن فعَلن

گزینه‌های ۳ و ۴: مفعِلن فاعلاتُ مفعِلن فعَل